



حزب کمونیست کارگری - حکمیتست

سر دبیر خالد حاج محمدی

۱۲ اسفند ۱۳۹۰

۲ مارس ۲۰۱۲

خالد حاج محمدی

استقلال اقتصادی بورژوازی و استقلال طبقاتی طبقه کارگر

علیرضا محبوب دبیر خانه کارگر و سهیلا جلودار زاده که هر دو کاندید نمایندگی مجلس نهم شورای اسلامی هستند، یکی از محورهای تبلیغاتی خود را، مخالفت با ورود کالای خارجی و دفاع از خودکفائی به نام دفاع از منافع کارگران اعلام کرده اند. محبوب در صحبت‌های خود که در سایت اپلنا منتشر شده است، گله مند است که میدان برای ورود کالای خارجی باز شده است و این به مصرف تولیدات داخلی زبان زده است. اشاره دارند که ورود بی رویه کالای خارجی میدان را بر تولیدات ایرانی بسته و باعث ورشکستگی تولید کنندگان و بیکاری کارگران و پایین آمدن سطح اشتغال شده است. ایشان اشاره میکند که خیابان فدائیان اسلام به گورستان کارخانه های تعطیل شده تبدیل شده است. محبوب میگوید دولت باید از "مارکهای داخلی دفاع کند"، در شرایطی که امروز از خیابان جمهوری تا انقلاب پر از "مارکهای خارجی" است. سهیلا جلودار زاده نیز اشاره دارند که، "درهای واردات باز شده است، چنین است که کارخانه ها بسته می شوند و به جایش مغازه های کالاهای خارجی باز می شوند. این

صفحه ۲

حزب حکمیتست

زنده باد هشت مارس، زنده باد جنبش رهایی زن

معترض، میلیونها مبارز برابری و رهایی زن در سراسر جهان یکصدا به میدان آیند و پیمانی مجدد برای مبارزه جهت بهبود وضع زن، رفع نابرابری زن و مرد و فرودستی زن ببندند. هشت مارس روز اعتراض به بیحقوقی زن و طرح ماگزیمالیستی ترین مطالبه برای رفع این نابرابری، روز گرامیداشت قهرمانی زنان و مردانی است که برای برابری زن و مرد و رهایی زن مبارزه کردند. گرامیداشت جنبشی است که حق زن و رهایی کامل زن حرف اول و آخرش است. هشت مارس روز گرامیداشت جنبش رهایی زن و سنگری برای برقراره نشانیدن جهان وارونه و زن ستیز هر ساله در آستانه روز جهانی زن موقعیت زنان در سراسر جهان زیر نورافکنها قرار میگیرد. برای جنبش رهایی زن هشت مارس فرصتی است تا بار دیگر کيفرخواست و ادعا نامه خود علیه سیستمی که فرودستی و بیحقوقی زن در همه ابعاد زندگی را بنیادی کرده است طرح کند. فرصتی است تا میلیونها انسان

پلنوم بیست و چهارم کمیته مرکزی حزب حکمیتست روز یکشنبه ۷ اسفند ۱۳۹۰ برابر با ۲۶ فوریه ۲۰۱۲ با شرکت اعضا و علی البدلهای کمیته مرکزی برگزار شد. دستورات پلنوم کمیته مرکزی عبارت بودند از:

اطلاعیه پایانی پلنوم بیست و چهارم حزب کمونیست کارگری - حکمیتست

حکمیتست

پلنوم بیست و چهارم کمیته مرکزی حزب حکمیتست روز یکشنبه ۷ اسفند ۱۳۹۰ برابر با ۲۶ فوریه ۲۰۱۲ با شرکت اعضا و علی البدلهای کمیته مرکزی برگزار شد. دستورات پلنوم کمیته مرکزی عبارت بودند از:

- ۱- آرایش رهبری حزب
- ۲- سازمان حزب و کمیته های اصلی آن
- ۳- پروژه تلوویزیون حزب
- ۴- گارد آزادی
- ۵- تعیین کمیسیون به روز کردن اصول سازمانی حزب
- ۶- قرارها

اسد گلچینی

در حمایت از اقدام محمد اشرفی، اما با راه حلی دیگر



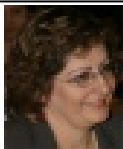
مدتی قبل محمد اشرفی، از فعالین کارگری توقع و انتظار خود را در نامه ای خطاب به همه افراد، گروه ها، سازمان، احزاب چپ و کمونیست در خارج کشور طرح کرد. نکته اصلی و مهم این انتظار این است که همه مبارزان، کوشندگان و طرفداران مبارزه طبقه کارگر، بر اشتراکاتی که در فعالیتشان در دفاع از طبقه کارگر و مصائبی که بر رهبران و تشکل ها ایشان میگذرد تاکید

کند و بر این اساس مجموعه ای فعالیت را پیشنهاد کرده اند. رفیق این را اتحاد عمل نام گذاشته اند. (نامه محمد اشرفی ضمیمه است)

این نامه راه را باز کرده و این اجازه را میدهد که بنا به تجربه نکاتی در این مورد گفت و راه دیالوگ بر این مساله و رسیدن به راه حلی را دنبال کرد. قبل از هر چیز باید گفت که این توقع و انتظار از زاویه نیاز طبقه کارگر و مبارزات این طبقه

آذر مدرسی

به کادرها و اعضا حزب حکمیتست



برای هیچیک از ما تحمل چنین انشقاقی به حزب قابل تصور نبود. شاید هضم فاصله های سیاسی، تشکیلاتی که امروز در حزب در میان ما بوجود آمده برای بخشی از رفقا کماکان سخت باشد. حفظ و دفاع از حزبی که سرمایه زندگی سیاسی

رفقای عزیز!

بیشک چند ماه گذشته ماههای سختی برای تک تک ما بود. مستقل از قضاوت و تحلیل هر یک از ما از اتفاقاتی که در حزب افتاد، از دلایل و ریشه های آن،

کارگران جهان متحد شوید!



علیرغم بیش از صد سال مبارزه برای برابری زن، علیرغم وجود جنبشهای اجتماعی قوی برای رهایی زن، علیرغم دستاوردهای عظیمی که جنبش برابری زن تا بحال بدست آورده است، کماکان نابرابری و تبعیض جنسی در

صفحه ۳

رهبری در حزب و از جمله کمیته مرکزی باید در ادامه مباحثات مهم کنگره پنجم حزب آن باشد. کمیته مرکزی تاکید داشت که باید این مباحثات را از زاویه ها

مختلف و بویژه سبک کاری و تأثیری که بر سازمان حزب و ارگانهای مختلف آن خواهد گذاشت پیش برد و به سرانجام رساند. پلنوم کمیته مرکزی در ادامه این بحث جمع نشسته ای را به عنوان ارگان رهبری سیاسی- اجرایی حزب در فواصل پلنوم های کمیته مرکزی، شامل آذر مدرسی به عنوان دبیر کمیته مرکزی و اسد گلچینی و خالد حاج محمدی را به اتفاق آرا، انتخاب کرد.

پلنوم همچنین در مورد کل سازمان حزب، کمیته های اصلی آن، ترمیم و بازسازی بخشی از ارگانهای حزب، و سرو سامان دادن به کل سازمان حزب،

صفحه ۴

قاعدتا از مدافعان طبقه کارگر نباید انتظار بی ربطی باشد.

این انتظار برای همه جریانات و سازمانها و افراد مورد خطاب نامه اشرفی ممکن است پیش پا افتاده باشد و یا عمیقا مورد بی اعتنایی قرار بگیرد، به این دلیل که مشاهدات واقعی و تا کنونی فعالیت در خارج کشور این را میگوید. ضرورت نامه اشرفی هم همین را میگوید، مساله ای که بدون تردید هر مبارز و طرفدار طبقه کارگر را رنج میدهد. اما منافع جنبشهای متفاوت و اولویتهای هر کدام از این جنبش ها همیشه همه را قانع میکند که تغییری در این

بسیاری از ما بود، حزبی که سنگر و ابزار مبارزه کمونیستی مان بود بدون تردید نقطه شروع تصمیم گیری های سیاسی ما است.

کنگره پنجم حزب تمام تلاش خود را کرد تا شفاف، سیاسی، منصفانه، با واقعبینی و به دور از هر هم نظری سیاسی شرکت کنندگان در آن، به بحرانی که در حزب بوجود آمد و عملا حزب را دو شقه کرد بپردازد. کنگره پنجم امکانی بود که تک رفقای حزبی نظر خود

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

استقلال اقتصادی بورژوازی و ...

جایگزینی در حالی رخ می‌دهد که پیش از این قانونی در مجلس تصویب کرده بودیم که به موجب آن هر کالایی که در داخل تولید می‌شود از خارج وارد نشود. این یعنی خودکفایی و استقلال اقتصادی".

ماجرای ورود کالاهای بی رویه خارجی و تسخیر بازار داخلی، خصوصاً اخیراً یکی از جدالهای بخشهای از بورژوازی ایران و یکی از محورهای انتقادی آنها به کارکرد دولت بوده است. دو سال قبل همین مسئله و تلاش برای ممانعت از ورود کالای خارجی یکی از بحثهای مجلس جمهوری اسلامی بود که محبوب همان وقت هم دفاع از سرمایه داخلی و منافع این بخش از سرمایه را به اسم دفاع از کارگر نمایندگی میکرد. در این مدت در مراکز مختلف تولیدی کم سود که در معرض تعطیلی قرار گرفته اند، یکی از محورهای اعتراض صاحبان این صنایع ورود کالای ارزان خارجی بود، که توان رقابت را از آنها سلب کرده و بازار را در دست گرفته اند. این مسئله همچنانکه محبوب و جلودار زاده نیز اشاره دارند، به عنوان عامل ورشکستگی بخشی از مراکز تولیدی و در نتیجه بیکاری کارگران بیان میشود. بخشی از صاحبان صنایع و کارفرمایان با همین استدلال جواب اعتراض کارگران به اخراج و عدم پرداخت دستمزد هایشان، را داده اند و همزمان افزایش ساعات کار و سختی شرایط کار و فشار مضاعف به آنها، به نام "حفظ اشتغال" و... را به طبقه کارگر تحمیل کرده اند. رقابت سرمایه داخلی با سرمایه خارجی و بهانه دفاع از "استقلال اقتصادی" همواره ابزاری در دست سرمایه داران علیه طبقه کارگر و فراتر از این وسیله ای برای منت گذاری بر سر کارگران به نام حفظ مراکز تولیدی و اشتغال آنها است. در حقیقت آنچه که خانم جلودار زاده و آقای محبوب رندانه به نام "دفاع" از کارگران بیان کرده اند، بیان اعتراض بخشی از بورژوازی ایران به سهم خود از سود سرمایه ناشی از استثمار طبقه کارگر است. دفاع از تولید "ملی" یا داخلی آقای محبوب و "خودکفایی و استقلال اقتصادی" خانم جلودار زاده، بیان منافع بخشی از سرمایه داران ایرانی است که به اسم دفاع از کارگر و "سرمایه ملی و خودکفایی" تبلیغ میشود. محبوب و جلودار زاده منافع این بخش از سرمایه داران را به اسم "منفعت طبقه کارگر" نمایندگی میکنند. که امروز هر دو به عنوان افتخارات خود دستمایه منت گذاری بر طبقه کارگر بیان میکنند تا آنها را دنبال خود

و به این اعتبار به دنباله رو این بخش از بورژوازی تبدیل کنند، و البته رای خود را نیز به محبوب و جلودار زاده بدهند. در دنیای واقعی توان یا عدم توان رقابت بخشی از سرمایه داران در مقابل بخشی دیگر و از جمله در مقابل صاحبان کالای خارجی، ربطی به منفعت کارگر و حفظ اشتغال این طبقه ندارد. منطق و مبنای تولید در جامعه سرمایه داری تولید سود بیشتر برای بورژوازی است نه رفع نیازهای بشر یا ایجاد اشتغال برای طبقه کارگر! کسب سود به قیمت خانه خرابی و استثمار شدید طبقه کارگر منطق تولید در جامعه بورژوازی است. سرمایه دار هر جا توانسته است شرایط کاری برده وار تری را به طبقه کارگر تحمیل کند، و نیروی کار را ارزان نگاه دارد، سرمایه گذاری کرده اند. استثمار نیروی کار منشا سود سرمایه است و ارزان نگاه داشتن کار منشاء سودهای کلان، به همین دلیل امروز بخش بزرگی از بورژوازی جهانی در کشوری مثل چین سرمایه گذاری میکنند. در حقیقت سرمایه همه مرزها را برای کسب سود در نور دیده است. امروز شاهدیم که وجود صدها میلیون کارگر ارزان چینی با شرایطی برده وار، سودهای افسانه ای برای سرمایه داران می آفرینند. کالای ارزان چینی برای مثال در نتیجه استثمار وحشیانه هم طبقه ای های ما در این مملکت تامین میشود. امروز کالای ارزان چینی بخشی بزرگ از باز جهانی را تسخیر کرده است. رقابت بخشهای مختلف سرمایه، چینی یا ژاپنی، ایرانی یا پاکستانی و هندی و انگلیسی و... بخشی از کارکرد نظام سرمایه داری و مکانیزم رشد و متمرکز شدن سرمایه در دست بخش کوچکی از بورژوازی است. و در این رقابتها لایه بخشهایی که توان رقابت و قدرت مقابله در این جدال را ندارند، ورشکسته میشوند یا مجبور میشوند سرمایه خود را به بخشهای سود ده منتقل کنند، کاری که روزانه اتفاق می افتد. در این جدال هر سرمایه داری تلاش میکند فشار این رقابت را با افزایش فشار به کارگران و از جمله بالا بردن ساعات کار، پایین آوردن دستمزد کارگر و تحمیل درجه استثمار بیشتر، تامین کند. تبدیل این معضل و این رقابت میان سرمایه داران چه خارجی و چه میان سرمایه داران داخلی به عنوان بخشی از کارکرد سرمایه ربطی به کارگر و اشتغال این طبقه ندارد. اینکه در دل این رقابت بخشهای از مراکز تولیدی بسته میشوند، ورشکست میشوند و در نتیجه کارگران این مراکز به خیل عظیم بیکاران می پیوندند، یک

واقعیت است. اما این واقعیت جزئی از کارکرد جامعه سرمایه داری است که رقابت برای کسب سود است و هدف از تولید سود بیشتر با اتکا به استثمار طبقه کارگر است و نه تامین نیازمندی شهروندان جامعه. رقابت میان بخشهای سرمایه مختص به سرمایه ایرانی با خارجی نیست، این اتفاق هر روزه در خود ایران و در میان سرمایه های مختلف برای تسخیر بازار داخلی و حتی تسخیر میزان صادرات به کشورهای دیگر، و در نتیجه از میدان بدر کردن رقیبا و به این اعتبار بیکاری کارگران مراکز دیگر در جریان است. دلیل این حقیقت بدجنسی و بی رحمی سرمایه دار خارجی نیست، سرمایه دار خارجی و بودمی تا جایی که به طبقه کارگر چه در ایران و چه در کشور همسایه برگردد، دشمن طبقاتی ما و علیه منافع کارگر است. بی رحمی و شقاوت علیه کارگر و کسب سود سرمایه در تمام دنیا بر اساس استثمار طبقه کارگر است. لذا در همه دنیا و همه سرمایه داران تلاش میکنند، با زدن سهم کارگر از ثروتی که ساخته است، سهم خود را بالا ببرند و امکان توان رقابتی بیشتری برای خود ایجاد کنند. به همین اعتبار شقاوت و بی رحمی سرمایه دار در قبال کارگر و لذا جدال همیشگی این دو طبقه با هم اجتناب ناپذیر و امری همیشگی است. تلاش محبوب و جلودار زاده خارج کردن سرمایه دار ایرانی به این نام که عامل بیکاری ورود سرمایه خارجی است. دلیل روشن است و آن اینکه محبوب و جلودار زاده منافع این بخش از سرمایه را نمایندگی میکنند و برای این بخش دل میسوزانند. و البته تلاش دارند این منافع را در زوروق "دفاع از طبقه کارگر و اشتغال آن" بسته بندی و تحویل ما بدهند. این دیگر بخشی از مهندسی افکار در همه جوامع طبقاتی و ابزار فریب طبقه کارگر است. آنچه علیرضا محبوب و سهیلا جلودار زاده به عنوان وعده انتخاباتی در "دفاع" از طبقه کارگر بیان کرده اند، در حقیقت تبدیل جدال میان بخشهای مختلف بورژوازی به جدال میان طبقه کارگر و دامن زدن به انشقاق در میان طبقه کارگر جهانی است. دامن زدن به عرق "ملی" و دفاع از سرمایه "خودی" تحت عنوان دفاع از "استقلال اقتصادی و اشتغال" به میدان آوردن طبقه کارگر علیه منافع خود و در دفاع از سرمایه "ایرانی" در رقابت با سرمایه "خارجی" است. در این میدان در حقیقت طبقه کارگر به نام دفاع از اشتغال خود، به ابزاری علیه منافع خود، در کنار بخشی از بورژوازی حال بورژوای ایران قرار میگیرد. بالا بردن توان رقابتی مراکز

تولیدی در کشوری مثل ایران، در گرو ارزان کردن نیروی کار کارگر و زدن ابتدائی ترین امکانات زندگی از خدمات عمومی و بهداشت و درمان و مدرسه و... تا دستمزد و شرایط کار این طبقه است. بخشی از اعتراض محبوب و جلودار زاده به اجرای طرح یارانه ها که در سخنان محبوب اشاره شده است، قطع حمایت دولت از سرمایه داخلی و لذا کم شدن سود این بخش و پائین آمدن توان رقابتی آن است. در حقیقت سوبسیدی که به سرمایه ایرانی هم داده میشد، از جیب طبقه کارگر بود. بالاخره دولت پولی که تولید نمیکند و هر چه به سرمایه دار ایرانی کمک میکند، از جیب جامعه و با زدن خدمات عمومی و... است.

ممانعت از ورود کالای ارزان خارجی علاوه بر اینکه واقعی نیست، تلاش برای ایجاد شرایطی است که مردم ایران و طبقه کارگر این کشور مجبور شوند، مثلاً شکر یا روغن و... داخلی را به قیمت چند برابر بخرند، به نام اینکه واحدهای تولیدی را حفظ میکنند. در حقیقت شرایط سودآوری بخشی از سرمایه داران را به قیمت تحمیل گرانی و استثمار بیشتر طبقه کارگر فراهم میکنند. معلوم نیست کارگر ایرانی یا مردم ایران چرا باید به جای خرید جنس ارزانتر، اجناس گران قیمت را برای حفظ مراکز تولیدی تحمل کنند! مگر هیچ سرمایه داری آماده است برای دفاع از کارگر ایرانی از سود بیشتر خود به نفع بهبودی در زندگی آنها گذشت کند! جناب محبوب و خانم جلودار زاده به جای نشان دادن مراکز تولیدی تعطیل شده، میتوانند به میلیونها خانواده کارگری در حاشیه شهرهای بزرگ ایران نگاه کنند. میتوانند به چند میلیون دختر جوان از طبقه کارگر که برای تامین حداقلی از نیازهای زندگی، خودفروشی میکنند نگاه کنند، و میتوانند به آمارهای نجومی معضلات اجتماعی از اعتیاد تا خودکشی و خودسوزی، از کار چند شیفته تا کار کودکان و کار بی تامین نگاه کنند. میتوانند سری به مراکز کشاورزی، ساختمانی و کارهای شاق و سنگین و زندگی چند میلیون کارگر افغانستانی که برای تامین نان شب خود هر محرومیت و تحقیر و توهینی را متحمل شده اند و بر دوش آنها سرمایه در ایران رشد کرده است، نگاه کنند. چرا برای بیان معضلات طبقه کارگر به جای مراجعه به فقر و محرومیت، بیکاری و دستمزد ناچیز و بی بهره بودن این طبقه از حداقلی از ثروتی که خود تولید میکنند، ورشکستگی بخشی از سرمایه داران را در رقابت با هم طبقه ای های خودشان را نشانمان میدهند! این وضعیت بخشی از نیاز سرمایه برای سود

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد هشت مارس...

سراسر جهان حکم میراند. کماکان نابرابری زن و مرد در دستمزد برابر در قبال کار برابر، خشونت جنسی علیه زن، زن آزاری و زن ستیزی، آپارتاید جنسی و بیحقوقی مطلق بخشی از واقعیات زندگی نیمی از جامعه بشری، از کشورهای اسلام زده ای مانند ایران تا متمدن ترین کشورهای جهان، است. زنان کماکان جزء اولین قربانیان بیکاری و تعرض بورژوازی به سطح معیشت جامعه، اولین قربانیان جنگ و اولین قربانیان خشونت اند. هنوز عقبمانده ترین سنتها، پوسیده ترین و گندیده ترین فرهنگها به خشن ترین شکل زندگی میلیونها انسان را در بخش اعظم دنیا رقم میزند.

هنوز خواستههای کوتاه شدن کامل دست مذهب از زندگی زنان و از زندگی مردم، لغو آپارتاید جنسی، جدایی دین از دولت، حذف مذهب از آموزش و پرورش، لغو حجاب اجباری بزرگسالان، لغو کامل حجاب کودکان، برابری کامل زن و مرد در تمام شئون زندگی خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی، ممنوعیت هر گونه خشونت علیه زنان، خواست جنبش حق زن در بخش اعظم جهان است.

ماندگاری بی حقوقی زن در جهان امروز با همه پیشرفتهای سریع و باور نکردنی در عرصه صنعت، تکنیک، وسایل ارتباط جمعی و غیره همراه امکانات وسیع و ثروت فراوان در جهان ما، ماندگاری فرهنگ ضد زن و مرد سالار که از قرنهای پیش به ارث برده شده است، دلایلی زمینی دارد و نیازهای واقعی دنیای امروز است. حفظ این بی عدالتی نیاز جامعه مدرن امروزی و نیاز طبقه ای است که از بی حقوقی زن و از حفظ و حراست آن، از تقدس فرهنگ ضد زن و مرد سالار، بهره میجوید. دلایل ماندگاری زن ستیزی و بی حقوقی تاریخی بر نیمی از بشریت و بازتولید هر روزه آن، نه تنها در افغانستان و عربستان سعودی و ایران و سومالی، که در انگلستان، آلمان، آمریکا، سوئد و... دقیقاً بدلیل نیاز سرمایه در حفظ ستم بر زن در این جهان است. پاسداری از سنت و فرهنگ ضد زن و مرد سالار، پاسداری از خدا، اسلام، مسیحیت و همه خرافات تاریخ بشریت، مخارج کلان جامعه برای حراست و پاسداری این نشانه های بربریت و جهالت در دنیای متمدن امروزی، نیازهای سیستمی است که با اتکا بر همین جهالت، بخش اعظم بشریت را در

بردگی نگاه داشته است. بقای زن ستیزی و قوانین و اخلاق و فرهنگ منحط ضد زن، بقای تبعیض بر زن و در یک کلام زن ستیزی زخمی عمیق بر پیشانی بشریت امروز است و آزادی زن، محک آزادی جامعه!

هشت مارس روزی است که باید این حقایق را بار دیگر گفت. برداشتن چهر ریاکارانه دوستان دروغین جنبش حق زن خود اولین قدم در راه رهائی زن است. باید در مقابل تلاش جنبشهای ارتجاعی دیگر در تقلیل دادن خواست و مطالبات برابری زن و مرد به خواستههای مینیمالیستی بی ضرر برای دول بورژوایی و تبدیل جنبش برابری زن و مرد به دنباله جنبشهای ارتجاعی، صفی محکم بست. تلاش جنبشهای بورژوایی در تبدیل چهرهای خود به عنوان نمایندگان حق زن، به عنوان قهرمانان جنبش زن در مقابل جامعه را باید افشا کرد. نباید اجازه داد هیلری کلینتون، تاجر، میشل اوباما، کاندولیا رایس و زهرارهنوردها این مبشرین، نمایندگان زن ستیزی و بیحقوقی زن و آپارتاید جنسی، را به قهرمانان جنبش حق زن تبدیل کرد. سلاخی حق زن و ۸ مارس توسط این جنبشها و به کمک دولتهای بورژوایی، به کمک کلیسا و مسجد، به کمک همه

تئوریسینهای ضد زن، بر دوش همین "قهرمانان" حق زن پیش میروند. جدا کردن صف خود از دوستان دروغین جنبش حق زن، یکی از پیش شرطهای مبارزه در راه رهائی زن است.

رهائی واقعی زن کار جنبشی است که بردگی زن و زن ستیزی بخشی از بردگی خود او است. آزادی زن و تامین برابری کامل زن و مرد در همه شئون زندگی، رهائی کامل زن از همه قوانین و سنت و فرهنگ پوسیده و ضد زن، بخش لایتنجای آزادی و رهائی طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی این طبقه است. جنبشی که آزادی خود و کسب برابری و رهائی کامل خودش همراه خود کل بشریت را رها میکند. آزادی و رهائی طبقه کارگر بدون آزادی زن، غیر ممکن است. ایجاد جامعه ای برابر و بری از ستم، بدون مبارزه ای رادیکال و عمیق علیه ستم بر زن و بدون طرح مطالبات ماکزیمالیستی در دفاع از حق زن و اتحاد زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب حول آن ممکن نیست.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۱ اسفند ۱۳۹۰ - اول مارس ۲۰۱۲

استقلال اقتصادی بورژوازی و ...

است. نیاز همان سرمایه "خودی، ایرانی و ملی" که جهت سود بیشتر جسم و جان نسل های ما را به نابودی فیزیکی و روحی کشانده است.

سرمایه داران و سخنگویان مختلف آن از جمله سخنگویان خانه کارگر و شوراهای اسلامی به عنوان نمایندگان خودگمارده طبقه کارگر، تلاش میکنند آنها را فریب دهند و تامین سود بخشی از سرمایه را با زنجیر کردن طبقه کارگر و به نام دفاع از اشتغال آنها به خورد کارگر بدهند. تبلیغ منافع خود به عنوان منفعت کل جامعه و منفعت طبقه کارگر زیر نام "سرمایه ملی و خودی و اشتغال و..."، شگرذ طبقات حاکم در طول تاریخ بوده است. دامن زدن به عرق ملی و ناسیونالیستی نه فقط ابزار مسابقه میان بخشهای مختلف سرمایه در کشورهای مختلف بلکه، به مسابقه و رقابت و تفرقه میان کارگران در این کشورها یا در مراکز تولیدی مختلف در خود ایران تبدیل میشود. ایجاد تفرقه میان طبقه کارگر به هر بهانه ای بخشی از کارکرد و نیاز سرمایه داری و ضامن ادانه استثمار این طبقه و کسب سود بورژوازی است. در این میدان سهم کارگر جز فداکاری و استثمار شدید و هدر دادن انرژی و توان روحی

و فیزیکی خود برای تامین سود بیشتر سرمایه دار نیست. بر این اساس نه تنها سود سرمایه داران بر گرده طبقه کارگر تامین میشود، علاوه بر این شکاف در صفوف طبقه کارگر در مراکز تولیدی مختلف و در سطح وسیعتری میان کارگر چینی و ایرانی و تاباندی و... دامن زده میشود. این دشمنی و انشقاق به کل اتحاد طبقه کارگر لطمه میزند و کل این طبقه را در مقابل کل سرمایه در موقعیت بسیار ضعیفتری قرار میدهد. وظیفه ای که خاتم جلودار زاده و محبوب در تبلیغات خود دنبال میکنند، چیزی جز دامن زدن به این انشقاق و تحمیل بردگی تمام عیار طبقه کارگر به نام حفظ شغل نیست.

هر جا و در هر رشته ای که سرمایه ایرانی توان رقابت در بازار را داشته باشد، نه جلودار زاده و نه محبوب و نه هیچ سرمایه داری سر سونی تردید نمیکند، که سرمایه ایرانی باید وارد رقابت با سرمایه های ضعیفتر از خود شود و بازار کشور همسایه را تسخیر و به اشتغال کارگر عراقی، ترکیه ای یا هندی و ... "لطمه" بزند. تبدیل مسابقه سرمایه داران بومی با هم یا سرمایه دار ایرانی و خارجی جهت سود بیشتر در تسخیر بازار به مسئله کارگر، در حقیقت بردن کارگر به قتلگاه و محکم کردن زنجیر بردگی این طبقه بدست

خود است. راه طبقه کارگر و جواب این طبقه به تامین کار مناسب یا تامین زندگی خود نه دفاع از، بورژوازی "خودی"، در مقابل، بورژوازی "غیر خودی"، وارد شدن در بازی کثیف دفاع از استقلال اقتصادی بورژوازی ایرانی، که از کانال اتحاد این طبقه چه در سطح محلی و چه در سطح سراسری و جهانی تامین میشود. کارگر به جای مسابقه خودکشی جهت افزایش سود سرمایه دار ایرانی و... باید برای تامین مطالبات خود و از جمله تامین بیمه بیکاری تلاش کند. ورشکستگی این یا آن فابریک و صنعت و... نه امر کارگر است و نه پیروزی بخشی از بورژوازی در رقابت با بخش دیگر به مزد کارگر و بهبودی در زندگی کمک میکند. بیکاری کارگر در این جدال علاوه بر اینکه بخشی از کار کرد سرمایه است، در عین حال ابزار چوب حراج زدن به کل سهم طبقه کارگر از ثروتی است که بدست خود ساخته است. ترس از بیکاری و تلاش برای زنده ماندن، ابزار ساکت کردن طبقه کارگر و تن دادن به هر فلاکتی است که طبقه سرمایه دار برایش ساخته است. وفور کالا و ارزان بودن آن به قیمت انقراض طبقه کارگر و با اتکا به خیل عظیم بیکاران این طبقه تامین میشود. شرط

ارزانی کالا در بازار و کسب سود آسانه ای سرمایه، وجود کارگر بیکار و وسیعی است که به عنوان ابزار ساکت کردن بخش شاغل آن استفاده میشود. کارگر چه در ایران و چه در چین، آمریکا، عربستان، ترکیه و هر جای جهان در مقابل کل بورژوازی منفعت مشترک دارد. بورژوازی ایرانی منصفتر، انسانتر و کارگر دوست تر از بورژوازی چینی یا آمریکائی نیست. بیکاری کارگر ایرانی، گناه کارگر چینی و ... نیست. کارگر بیکار و شاغل، ایرانی و عراقی و کره ای، بخشی از طبقه کارگر جهانی است. بورژوازی تلاش میکند شرایط تامین سود خود و استثمار بیشتر طبقه کارگر را با اشاعه سم ملی و ناسیونالیستی و با کسب رضایت طبقه کارگر از کانال فریب این طبقه تامین کند. جنس ایرانی بخر و استقلال ما و صنعت ملی و رشد تکنیک و صنعت ما و همه "افتخارات" از این قبیل، جملگی ابزار انقیاد طبقه کارگر در این میان و درک منفعت مستقل خود و اهمیت درک هسرنوشتی جهانی کل طبقه کارگر، شرط اول تلاش برای زندگی انسانی و کم کردن مشقاتی است که به ما تحمیل میشود.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

در حمایت از اقدام ...

وضعیت ایجاد نکنند. آیا با این چنین فراخوانی به سازمانهای سیاسی مورد خطاب، که از راست راست تا چپ و کمونیست را شامل میشود و در بسیاری مواقع منافع و اولویتهای جنبشهایی بشدت غیر کارگری و غیر کمونیستی را نمایندگی میکنند، میتوان امیدوار بود که انتظارات رفیق اشرافی متحقق شود؟ بدون تردید جواب منفی است! چرا که قطب نمای جنبشی و طبقاتی موجود این سازمانها آنجایی به کارگران نیازمند است که نیروی متحقق کننده جنبششان باشد. صرف نام دفاع از کارگر و سوسیالیسم و کمونیسم متاسفانه هیچ تضمینی برای دفاع اتوماتیک وار از مبارزات طبقه کارگر و حمایت از مبارزاتشان نیست. اختلافات موجود میان مجموعه جریانها چپ نه اختلافی بر سر تحلیل یا تئوری که اختلافی جنبشی و طبقاتی است. مهم نیست این سازمانها نام چپ را بر خود دارند مهم این است که به نام چپ و طبقه کارگر منافع کدام جنبش طبقاتی را نمایندگی میکنند. از اینرو شروع از سازمانهای سیاسی موسوم به چپ برای متحقق کردن چنین اتحاد عملی راه به جایی نمیرسد.

علاوه بر اینها برای همه ما در سازمانها و گروه های چپ و کمونیست لابد این بی توجهی به این دلیل است که ابتدا "تشکیلات و سازمان و گروه خودمان" در اولویت فعالیتهايمان است. و با اختلافات سیاسی، عقیدتی، گروهی و سکتاریسم جاقفاده آنها، اجازه نمیدهد به اشتراکات لفظی موجود هم توجهی بکنند. آنچه رفیق اشرافی از آن درد میکشد خوشبختانه در مقابل این عادات و سنت جاقفاده است. فراموش نکنیم که سکتاریسم سازمانی بخشی از هویت جریانها چپ غیرکارگری و خرده بورژوازی است. آیا خطای قرار دادن این تشکیلاتها برای اینکه اقدامات مشترکی در دفاع از همان طبقه کارگر و زحمتکشانی که ادعای طرفداریش را دارند اشتباه است؟ نه الزما! اقدام اشرافی و یا هر توقع دیگری از این تشکیلاتها الزما بی دلیل نیست و شاید برای اثبات و تشخیص اینکه واقعا چه سازمانهایی این درد را در خود میدانند مفید است. حداقل برای همه کارگران و فعالین در ایران و خارج کشور که این دغدغه و سوال را دارند که چرا با وجود این همه سازمان و نیرو و امکانات و فضای باز در خارج کشور نمیتوان طبقه کارگر و اعتراض و معضلات رهبرانش را آنطور که لازم است نمایندگی کرد، مفید است. آیا این حداقل توقع و انتظار ممکن نمیشود؟ پاسخ اشرافی و بسیاری از فعالین کمونیست قطعا مثبت است اما سوال این است که راه تاکید بر اشتراکات چیست و آیا این مسئله از طریق اتحاد عمل

سازمانهای سیاسی مورد خطاب رفیق اشرافی میگردد؟

قبل از پاسخ به این مساله باید اشاره کرد که چه چیزهایی ممکن است. این تاکیدات و پیشقدم شدن و امیدواری که نامه اشرافی آنرا نمایندگی میکند برای در هم شکستن این فضا به نفع طبقه کارگر و مبارزاتش باید مورد حمایت قرار بگیرد. کسانیکه با اشرافی درد مشترکی داریم نباید در این تردید کنیم و به سهم خود، در هر سازمانی هستیم یا نیستیم و به هر کاری که مشغولیم، اجازه ندهیم این تلاش به پاس تبدیل شود. بسیاری همانند اشرافی بوده اند و بالاخره از سر ناامیدی و از سر ناچار در بهترین حالت به یکی از این گروه و سازمانها و تشکلها "تسلیم" شده اند و خوب یا بد و مثبت یا منفی که اینجا جای قضاوت نیست، در تشکلها، نهادهای، گروهها و ... مشغول فعالیت و حمایت از کارگران در ایران هستند و هر کدام هم راه خود را ادامه میدهند بدون اینکه در تقاطعهایی بتوانند بهم برسند! چرا که در اساس و بدون استثنا همه بند نافشان به یکی از تشکل های سیاسی است و یا اینکه خود یک تشکل سیاسی هستند. اتفاقا همه این گروهها هم تاکید دارند که کارگران در داخل کشور باید متحد شوند! باید اتحاد عمل داشته باشند! باید گروه های ۷ گانه و ۸ گانه تشکیل بدهند و تشکل هایشان در اول ماه مه و ۸ مارس اتحاد عمل کنند تا بالاخره سالی یکبار قطعنامه ای داشته باشند و ... سوال واقعی اما این است که اگر این در داخل کشور در جنبش کارگری، برای فعالین کارگری و تشکلهايشان، علیرغم هر اختلاف نظری و وجود گرایشها متفاوت ممکن است و بعضا هم ممکن شده است چرا حمایت مشترک از همین مطالبات حداقلی در خارج کشور در بین فعالین و گروههایی که نقطه نظرات متفاوت هم دارند ممکن نیست؟ این آن امیدواری و منشا تلاشی است که رفیق اشرافی و هر مبارز دلسوز طبقه کارگر دارد. آنچه تجربه و واقعیت جنبشی سازمانها و احزاب و گروه های سیاسی چپ موجود نشان داده است این است که این انتظار از این سازمانها واقعی نیست. این انتظار از آنها با واقعیت بنیادی تر و جنبشی این سازمانها خوانایی ندارد حتی اگر تاکید بر مطالبات حداقلی و اشتراک عمل در این مایه باشد. واقعیت خارج کشور، همانطور که اشرافی به درست به آن اشاره میکند، میتواند به میدانی برای حمایت از مبارزه کارگران و رهبران آنها بر علیه جمهوری اسلامی باشد. محیط خارج کشور میتواند برای جمهوری اسلامی و زندانبانان فعالین و رهبران کارگران تبدیل به فضایی تنگ و محدود بشود، آنچه که متاسفانه بر اثر حضور جنبشهایی مانند جنبش سبز بیشتر از همیشه به فضایی خنثی در مورد جمهوری

اسلامی تبدیل شده است. فضای خارج کشور میتواند به فضایی خفقان آور برای جمهوری اسلامی و عوامل ریز و درشتش تبدیل شود. به محیطی که کارگران و رهبران و فعالین کارگری بدانند که دوستانشان در این محیطها در کنار آنها هستند و نه تنها تلاش دارند هر نوع حمایت از این مبارزات را دامن بزنند و اشاعه بدهند بلکه سرکوبگرانشان را راحت نخواهند گذاشت و فضا را بر علیه شان میسورانند. وبسیاری فعالیتهاى دیگر. اینها حداقل توقعی است که هر مبارز و طرفدار طبقه کارگر مستقل از هر اختلاف نظر و منافع گروهی هم که داشته باشند میتوانند بر آن تاکید کنند.

آنچه میتواند پاسخگوی مطالبه رفیق اشرافی و دیگر مبارزان و فعالین این طبقه باشد ایجاد یک اتحاد قوی جنبشی - طبقاتی در میان فعالین جنبش کارگری در خارج کشور است. اگر جنبش سبز توانست به یک تحرک جنبشی وسیع در خارج کشور دامن بزند و کل نیروی این جنبش را از راست و چپ آن در شوراهاى حمایتی از یا همبستگی با مبارزات مردم متحدو متشکل کند، چرا جنبش کارگری، چرا موجودیت طبقه کارگر و مبارزات نهان و آشکارش و جدال و جنگ هر روزه آن با جمهوری اسلامی و سرمایه داری، زندان و اخراج از کار رهبران کارگری و شرایط خانواده های آنها و مبارزه هر روزه این طبقه، نمیتواند در هر کشوری "شورای حمایت از مبارزه طبقه کارگر ایران" یا، جنبش حمایت از طبقه کارگر ایران، ایجاد کند، تشکلی که در برگیرنده همه مبارزین جنبش کارگری در آن کشور است. تشکلی که هم و غمش جنبش کارگری در ایران و حمایت از آن بعنوان یک جنبش طبقاتی مستقل است چرا این کار نمیتواند نبض مبارزین و طرفداران طبقه کارگر در خارج کشور را با مبارزه کارگران در ایران، تشکلها و رهبران و فعالینش هماهنگ کند؟ این راه حلی است که میتواند به دردهای مشترک همه مابقی که در پی راهی برای حمایت از کارگران ایران هستیم، و نامه اشرافی در این دوره استارتش را زده است، پاسخ بدهد. این کار میتواند روزنه امیدواری باشد برای صد ها فعال دلسوز طبقه کارگر در خارج کشور که میخواهند با حفظ فعالیتهايشان در هر حزب و تشکل و سازمانی که هستند یا نیستند، اینجا نیرویشان را یکی کنند.

"شورای حمایت از مبارزه طبقه کارگر ایران" یا، جنبش حمایت از طبقه کارگر ایران، الزماتیو هیچ سازمان و تشکیلات و شورای مردمی و انجمن و کمیته و نهاد حمایت از کارگران نمیتواند باشد، چنین نهادی نمیتواند خواهان حذف و انحلال گروه و فعالیتی بشود، چنین تشکلی نماینده درد مشترکی است که اشرافی و صد ها فعال

کارگری و کمونیست و چپ در خارج کشور و صد ها دوستدار آنها دارند. کار "شورای حمایت از مبارزه طبقه کارگر ایران" یا، جنبش حمایت از طبقه کارگر ایران، یا هر اسم دیگری که سازندگانش بر آن میگذازند، دفاع و حمایت دائمی از جنبش طبقه کارگری است که در هر لحظه و شرایطی مشغول مبارزه با صاحبان قدرت و دولت و سرمایه داری برای بهبود در زندگی روزمره خود، برای آزادی و برابری در همه وجوه خود در جامعه است را تضمین میکند و اتفاقا چنین فعالیتی است که میتواند ضمانت دفاع از منافع مستقل طبقه کارگر در هر تحول و جنبشی را آگاهانه تامین کند.

این راه حلی است که ما فکر میکنیم میتواند مبنای درستی برای متحقق کردن درد مشترکی باشد که رفیق اشرافی از جانب بسیاری آنرا بیان میکند. آیا میتوانیم این راه را برویم؟ دستهای بسیاری میتوانند برای این اقدام و برای شروع بحث بر سر این موضوع بالا برود مبنی همین است که آیا برای این اهداف و مطالبه حداقلی طبقه کارگر میتوان فعالیت مشترک و با قدرتی را در خارج کشور سازمان داد، سازمانی که آگاهانه نیرو و توان و خصوصیاتش منطبق بر خصوصیات جنبش کارگری است؟

اول مارس ۲۰۱۲

ضمیمه:

ضرورت تاریخی امروز، اتحاد عمل است!!!

محمد اشرافی

قابل توجه تمامی آنهاى که در جهت دفاع و کسب حقوق و مطالبات طبقه کارگر فعالیت می کنند، از جمله کارگران، فعالین، محافل، تشکلها، نهادها، سازمانها، احزاب، با توجه به اینکه نام بردن از تمامی محافل و گروهها به دلیل گستردگی و پراکندگی ممکن نیست اما برخی از آنها را در انتهای این نامه، به نام خواهیم نوشت لازم است ذکر کنم که نیامدن نام محفل یا تشکیلاتی دال بر این نیست که آنها مورد درخواست نیستند، بلکه ممکن است نامشان در خاطرمان نباشد همچنین آوردن نام همه غیر ممکن است بنا براین اعلام می دارم چه آنهاى که نامشان نوشته شده است و چه آنهاى که نامشان نوشته نشده است مورد خطاب هستند.

رفقای عزیز

با توجه به اینکه بسیاری از فعالین کارگری و سیاسی دستگیر شدند و شکی در این نیست که تعداد بسیاری هم در خطر دستگیری، محاکمه و زندان قرار دارند. امروز ایران و جهان با شتاب به یک شرایط ویژه نزدیک می شود به همین سبب هر روز وضعیت بغرنجتر می شود. دریک کلام می توان گفت ایران به سرعت در حال ورود به شرایط ویژه است. اکنون

در حمایت از اقدام ...

هر کدام از بازیگران عرصه طبقاتی دارای وظایف خاصی هستند و بخصوص طبقه کارگر در سطح جنبش کارگری و جنبش کمونیستی وظایف بسیار عاجلتری دارد چرا که در شرایط ویژه ی مورد بحث بسیاری از پارامترها و ساختارها تغییر خواهد کرد و اگر طبقه کارگر با قدرت وارد موضوع و مبارزه نشود به حاشیه رانده شده و به صورت زانده ای مورد سوءاستفاده جناح های مختلف سرمایه داری واقع خواهد شد. اکنون نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی برای خلع سلاح کردن و محروم کردن طبقه کارگر از دارایی های خود همچون فعالین و رهبران کارگری هر کدام از آنها را به بهانه ای دستگیر و محاکمه کرده و به عناوین مختلف از بستر مبارزه که هر لحظه ممکن است اوج بگیرد دور می کند. اگر سرمایه داری بدین منوال بدون ممانع کارهای سرکوبگرانه خود را نسبت به فعالین کارگری و رهبران آن ادامه دهد موفق خواهد شد در زمان اوج گیری مبارزات (شرایط ویژه) طبقه کارگر را بدون فعالین و رهبران کارگری، هر چه پراکنده تر و آواره تر به زانده جناح های مختلف خود تبدیل نماید. اکنون زمان انجام وظایف انقلابی به سرعت در حال گذر است. باید بدون فرصت سوزی، ضمن به رسمیت شناختن اختلافات درون طبقاتی در اشتراکات خود هر چه بیشتر به انجام وظیفه و رسالت تاریخی بپردازیم. بسیاری از اختلافات دیروزی با گذشت زمان ماهیت وجودی خود را از دست داده اند ولی متأسفانه ما همچنان درگیر اثبات حقانیت خود نسبت به بقیه در گذشته، زمان را می کشیم. صف بندی های دیروز کاملاً مشروعیت خود را از دست داده اند. آنچه امروز می تواند از گذشته برای مبارزات امروزی و آینده ما ثمربخش باشد عبرت گیری از خطاها و اشتباهات و استفاده مثبت از تجربیات است که باعث هر چه بیشتر شدن پراکندگی ها و دست بالا یافتن دشمن بوده اند. امروز لازم است شرایط ویژه را درک کرده و با اصول و تئوری انقلابی منطبق نموده، بدون فوت وقت دست به اقدامات عملی مشترک، حداقل برای شروع، در دفاع از آزادی رهبران و فعالین کارگری بزنیم.

سرنوشت تمامی فعالین و رهبران کارگری همچنین زندانیان سیاسی در رابطه با بدست آوردن آزادیشان به هم گره خورده است. نمی توان آزادی یکی از آنها را جدا از بقیه بدست آورد. بنابراین باید متحدانه و آگاهانه برای آزادی یک به یک و تمامی آنها مبارزه و فعالیت های مشترکی را عملاً " بکار گیریم. این تمامی مبارزه نیست اما در شرایط کنونی عاجلترین عرصه ی

مبارزه است. بنابراین این از تمامی رفقا به صورت اشخاص منفرد، تشکل های کارگری، تشکل های حمایتی از کارگران، سازمانها و احزاب و ... صمیمانه می خواهم، از طریق تشکیل کمیته های مشترک اقدام به سازماندهی برنامه های عملی اعتراضات مشترک نمایم، ولو اینکه در حال حاضر برخی از کمیته ها و نهادها با نام های مختلف وجود دارند اما این گونه نهادها با توجه به شرایط امروز هر چه بیشتر لازم هستند تا تاکتیک های منطبق با شرایط زمانی را ابداع و اجرا کنند و در حین مبارزات عملی هر چه بیشتر به اشتراکات دامن بزنند. ضمن دعوت از تمامی فعالین و تشکیلاتها به برنامه ریزی اقدامات اعتراضی عملی و آریه پیشنهاد، در ذیل برخی از راههای ممکن و عملی را پیشنهاد می کنم:

- ۱- نوشتن نامه های اعتراضی فردی و جمعی به ادارت و نهادها
- ۲- درخواست حمایت از نهادها ی داخلی و جهانی برای گسترش مبارزه در راه آزادی زندانیان
- ۳- شرکت در اعتراضات و مبارزات عملی بخشهای مختلف طبقه کارگر در کشورهای مختلف و درخواست متقابل حمایتی از آنها
- ۴- درخواست نوشتن نامه های اعتراضی نسبت به دستگیری و زندانی کردن فعالین و رهبران کارگری از نهادهای بین المللی و احزاب انقلابی دیگر کشورها
- ۵- تشکیل یک صندوق حمایتی با هر نامی که می توان به نتیجه رسید از جمله صندوق اعتصابات، صندوق حمایت مالی از کارگران و ...
- ۶- برقراری آکسیونهای مشترک در مقابل سفارت خانه های جمهوری اسلامی و ادامه ی آن به صورت هفتگی بطور مستمر
- ۷- با توجه به اینکه تشخیص حقانیت یا عدم حقانیت اعمال و تئوریهای یک گروه یا تشکیلات فقط در اقدامات عملی ممکن می شود. بنابراین حوزه عمل مشترک ضمن بازده و تمربخشی بیشتر، بزرگترین و قابل اطمینان ترین میدانی برای محک زدن تئوریها و نظریات است. آن افراد و گروههایی که صادقانه به دنبال یافتن راه حل و پاسخ های عملی به مشکلات هستند باید بی محابا، حساب شده و با برنامه ریزی دقیق وارد مبارزات عملی مشترک شوند تا در میدان مبارزه درستی از نادرستی تشخیص داده شود.

هر چند نیاز مبرم، زمینه و بستر لازم برای فعالیت بیشتر و استفاده از تسهیلات، توانائی ها و ظرفیت های موجود مهیا است و علی رغم اینکه توانای، ظرفیت و تسهیلات بالقوه بسیاری در محافل، سازمانها، نهادها و احزاب وجود دارد. اما به دلیل اینکه هنوز برای اقدامات مشترک و متحدانه اغنا نشده اند و بخشی از آنها نیز دچار مشکلات تئوریک هستند، نمی توانند

اقدام به اشتراک گذاشتن تسهیلات و امکانات تحت اختیار خود نمایند در نتیجه به صورت های گوناگون از جمله عدم استفاده، ناتوانی در استفاده، استفاده ناقص و بیشتر مواقع به طور خرده کاری و موازی کاری ... هدر می دهند.

تذکر لازم این است که مجموعه ی تمامی امکانات، تسهیلات و ظرفیت ها در واقع متعلق به طبقه کارگر است و پیروزی یا شکست جنبش کارگری و جنبش کمونیستی بستگی به استفاده درست یا نادرست از آنها دارد، بنا براین هدر دادن آن بی هیچ چون و چرایی ضدیت با طبقه کارگر می باشد.

همچنین دلیل بی اثر یا کم اثر بودن نتایج اعمال تاکتونی افرادی و اعمال کمی مشترک تشکیلات ها و محافل اعتقاد و اعتماد بنفس نسبت به کارهای بزرگ و تأثیرات اقدامات مشترک بزرگتر تقریباً صفر شده است.

این نیز دلیل دیگری است که باعث گردیده اراده مشترک برای بالفعل کردن توانائیها و ظرفیت ها و استفاده بیشتر از تسهیلات موجود وجود نداشته باشد.

اولاً از طرف محافل و تشکیلات ها نیز در حد، قد و قواره خودشان برنامه ریزی نمی شود وقتی هم در حد یک دهم امکانات و ظرفیتهای خود برنامه ریزی می کنند چون تا کنون اعمال آنها تأثیر چندانی از خود نشان نداده است بیشتر بنده خود آنها نیز تن به فعالیت مفید و لازم نمی دهند در نتیجه بر نامه فوق بسیار کم اثر جلوه می کند و امید به برنامه های بعدی را در هاله از شک و تردید قرار می دهد.

متأسفانه بسیاری از رفقا به جای کنکاش و پیش برد مباحثات عملی - نظری جهت یافتن راه های استفاده بیشتر از ظرفیت ها و امکانات دست به توجیحات جهت پوشاندن بی عملی و ضعف های مختلف در مباحثات نظری - نظری دور از هم می زنند. در صورتی که اگر بتوانیم در اعمال و اقدامات مشترک تأثیرات بیشتری آریه بدهیم بستر و زمینه استفاده از امکانات موجود گسترده خواهد شد، اعتماد بنفس بالا خواهد رفت، اراده و عزم راسخ در جهت استفاده از ظرفیت و امکانات موجود، حتی ایجاد ظرفیت و امکانات بیشتر در دستور کار تشکیلات ها و محافل قرار خواهد گرفت، از خرده کاری های گسترده فعلی نیز جلوگیری خواهد شد.

ایجاد اعتماد بنفس، شور و شعور انقلابی خلق الساعه و ناگهانی نمی تواند باشد بلکه باید از یک جای با قدم های اهسته و پیوسته شروع شده مداوم رشد یابد.

با تکیه به موارد گفته شده و دلایل بسیار دیگری همچون رشد روز افزون مبارزات طبقه کارگر و شدیدتر شدن رودر روی دوطبقه نیاز به همگرایی

و برنامه ریزی در اشتراکات هر چه بیشتر ضرورت حیاتی می یابد، در نتیجه پیشنهاد می کنم:

- ۱- برقراری کمیته مشترکی که بتواند برنامه عملی برای خارج کردن افرادی که جانشان در داخل به خطر افتاده است و همچنین سازماندهی وارد کردن افرادی خارج از کشور به داخل که وجودشان برای مبارزه در داخل لازم است.
- ۲- برقراری کمیته مشترکی که بتواند مباحث موجود پراکنده در بخشهای مختلف را برای ادامه و انسجام بیشتر بحث و گفتگو ها هدایت نماید تا ضمن سرعت بخشیدن به باز ده مثبت آن راه حل های عملی گسترش اقدامات مشترک را نیز بیابد.
- ۳- برقراری کمیته مشترکی که بتواند اعتراضات عملی به توافق رسیده را بر نامه ریزی و اجرایی کند.
- ۴- برای شروع یا گسترش اقدامات عملی مشترک با توجه به وضعیت بغرنجی که زندانیان دارند پیشنهاد می کنم جهت افزایش فشار به جمهوری اسلامی و واداشتن آن به عقب نشینی که اکنون زمان مناسب است، دست به اعتراضات مشترک عملی همزمان در شهر ها و کشور های مختلف بزنیم.

الف - روز یکشنبه هفت اسفند. در این روز ضمن اعتراض به زندانی کردن کارگران و فعالین سیاسی و مدنی می توان به نمایش انتخاباتی نیز اعتراض کرده و موضوع را هر چه بیشتر افشا نمود.

ب - روز پنجشنبه ۱۸ اسفند، با توجه به اینکه ۱۸ اسفند مصادف با روز زن است، و همه ای رفقا برنامه های دارند، با استفاده از برنامه های مشترک هم گامی در جهت پر بارتر کردن گرامی داشت روز جهانی زن می شود هم همبستگی طبقاتی کارگران را بیشتر می کند و هم با پیوند دادن دو اعتراض همسنگ قدرت اعتراضی بیشتر می شود از طرفی موضوع زندانی کردن کارگران و فعالین سیاسی بعد جهانی بیشتری به خود می گیرد.

تذکر لازم:

هر کدام از روز های پیشنهادی که انتخاب شود باید با دقت و اشتراک بیشتری برنامه ریزی شود تا اعتراض به زندانی کردن کارگران و فعالین بر جسته تر شده برد جهانی پیدا کند. با درود و بامید روزی که آنچنان همبستگی طبقاتی گسترده شود که دیگر نیازی به چنین نامه های نباشد.

۱۳۹۰/۱۱/۲۲

در خواست از:

- ۱- نهاد های همبستگی با جنبش کارگری ایران
- ۲- اتحاد بین المللی در

اطلاعیه پایانی پلنوم ...

بحث و اقداماتی را در دستور خود و رهبری نشسته حزب قرار داد. در این بخش از جمله به سازمان حزب در خارج کشور و سروسامان یافتن آن، حزب در کردستان و اقداماتی فوری در مورد روشن کردن دخالتگری ما در این بخش، گارد آزادی و جوابی روشن به ابعاد سیاسی سازمانی آن و پایان دادن به برداشتهای مختلف در مورد این عرصه پرداخت و اقداماتی را در دستور خود گذاشت.

پلنوم در دستور دیگر خود در مورد کار تبلیغات خود و نیاز فوری حزب به ابزارهای مؤثر در گسترش دامنه تبلیغاتی حزب بویژه تلویزیون حزب بحث کرد. اعضا کمیته مرکزی در این زمینه نیز به اتفاق تصمیم گرفتند در اسرع وقت تکلیف پروژه تلویزیون را روشن و راه اندازی کنند. رهبری نشسته حزب موظف شد این پروژه را به فوریت به سرانجام برساند و مواعید مختلف آن را حل کند. پلنوم همچنین در مورد قرار کنگره پنجم حزب مبنی بر به روز کردن اصول سازمانی حزب بعد از بحث و مشورت، تصمیمات لازم را اتخاذ کرد.

پلنوم کمیته مرکزی در مورد سازمان حزب در ایران تصمیماتی گرفت. در همین رابطه نیز قرار دادی در رابطه با جنبش کمیته های کمونیستی به اتفاق آرا به تصویب رسید.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

هفتم اسفند ۱۳۹۰ - ۲۸ فوریه ۲۰۱۲

قرار در باره "جنبش کمیته های کمونیستی"

مصوب پلنوم ۲۴ حزب حکمتیست

۷ اسفند ۱۳۹۰ - ۲۶ فوریه ۲۰۱۲

پلنوم بیست و چهارم کمیته مرکزی حزب حکمتیست، "جنبش کمیته های کمونیستی" که مبنای آن توسط رفیق کورش مدرسی در سمینار "تحزب کمونیستی طبقه کارگر" طرح شده است را مورد تأیید قرار میدهد. کمیته مرکزی خود را ملزم میدانند تا در مدت دو هفته پس از پلنوم بر اساس این سیاست، وظایف حزب و کمیته های حزبی، در راستای کمک به سازماندهی این جنبش، را تهیه و در اختیار حزب و ارگانهای تبلیغاتی و تشکیلاتی مربوطه قرار دهد."

به کادرها و اعضا حزب...

را در رابطه با وضعیت حزب، نقش و مسئولیت مراجع رهبری را طرح کنند. درس گیری از این تجربه تلخ، بدون ارزیابی واقعینانه از وضعیت ممکن نبود. در عین حال کنگره تلاشی بود برای پایان دادن به بحران موجود و بازگرداندن حزب به مشغله اصلی خود، به جامعه و جدالهای سیاسی که در مقابل حزب و طبقه کارگر قرار دارد.

متأسفانه هنوز ابعاد اختلاف نظر با سیاستهای رسمی حزب روشن نیست. هنوز این اختلاف خود را به صورت خط سیاسی متفاوت بیان نکرده و به همین دلیل این خطوط سیاسی متفاوت نیست که صیفندی فعلی میان اعضا و کادرهای حزب را تشکیل داده است. برای بخشی از اعضا و کادرهای حزب هنوز میزان اختلافات بیان شده برای این درجه از فاصله کافی نیست. ما عمیقاً بر این مسأله واقفیم که تملک کل رهبری حزب در انجام وظیفه خود و پاسداری از سیاستها و رسمیت حزب نقش جدی در بوجود آوردن چنین بحران و انشقاقی آنهم به این شکل را داشت. و فراهم کردن شرایطی که همه رفقای حزبی با علم به عمق اختلافات تصمیم سیاسی خود را بگیرند، یکی از مهمترین تعهدات و وظایف ما در قبال همه رفقای حزبی است. ما عمیقاً اعتقاد داریم که در چنین شرایطی است که هر تصمیمی سیاسی خواهد بود.

متأسفانه بخشی از کمیته مرکزی منتخب کنگره چهار تصمیم خود را گرفته و خروج خود از حزب را اعلام کرده اند و ما راهی جز به رسمیت شناختن این تصمیم نداریم. اما تفاوت ما با سکتهای مذهبی یا قومی یا نژادی این است که چشم بسته به این یا آن مقام مذهبی "اقتدا" نمی کنیم و مقدرات مبارزه سیاسی و تصمیم گیری در مورد آینده سیاسی مان را خود رقم میزنیم. ما همه، کمونیست هایی هستیم که نشان داده ایم میتوانیم با دخالتگریمان، اوضاع را به این یا آن سمت ببریم.

رفقا!

بدیل کردن حزب حکمتیست به نقطه امیدی جدی برای جامعه و طبقه کارگر حاصل کار شبانه روزی ما کمونیستهای است که در این حزب

متشکل بودیم و با روشن بینی کمونیستی خود عدالتخواهی، برابری طلبی و رادیکالیسم عمیق و کمونیستی طبقه کارگر را نمایندگی کردیم. این راه را باید ادامه داد. این حزب شما و محصول تلاش تک تک شما است و انشقاق تحمیل شده به حزب نباید سر سوزنی تردید در درستی راهی که آمدم ایجاد کند. هر درجه از تلخی ایندوره، هر زخمی که هر رفیقی خورده است نباید مبنای هیچ تصمیم سیاسی باشد.

کمیته مرکزی حزب از همه رفقای حزبی میخواهد فعالیت متشکل و حزبی خود را با حزب و رهبری منتخب کنگره پنج ادامه دهند. از نظر ما همه رفقای عضو و کادر کماکان اعضا و کادرهای حزب اند. اما به این واقعیت آگاهی که این پروسه تحمیلی به همه ما، به کل اعضا و کادرهای حزب، همه را در مقابل انتخاب قرار داده است. این انتخاب با هر تفسیری که هر رفیقی داشته باشد، انتخاب میان دفاع از حزب حکمتیست، سیاستها و مبنای آن و تاریخ ۸ ساله فعالیت مشترک ما، با خطی است که منتقد این دوره است. ما همچنانکه تا کنون اعلام کرده ایم، کنگره پنجم را آگاهانه و به عنوان تنها کاتال و امکان مناسب در شرایط ویژه کنونی، با فراخواندن نمایندگان کنگره چهارم و بدور از جناح بندیهای کنونی فراخواندیم. و اکنون و بعد از کنگره قبول کنید که باید همه ارگانها و نهادها و تشکیلاتهای مختلف را دوباره سازمان دهیم. این کار در گرو اطلاع از تصمیم همه رفقا است. هیچ نقدی از کار ما، از فعالیت مشترک حکمتیستها در این ۸ سال و از سیاستهای آن، از این دوره و تصمیمات ما، از نظر کمیته مرکزی و کنگره پنجم حزب، دلیلی برای خودی و غیر خودی دانستن رفقای مختلف در این صف نیست. باید امکان داد تا دوری و نزدیکی ها و تصمیم گیری ها مبنای سیاسی و واقعی خود را پیدا کند. ما کل اعضا و کادرهای این حزب را با هر نقدی که به عمل کرد حزب و رهبری آن دارند نیروی این حزب، صاحبان این حزب و سازندگان این حزب میدانیم. اما تصمیم شما رفقا و اراده شما در دست ما نیست. به همین دلیل و برای پایان دادن به این دوره، کمیته مرکزی حزب فرصتی سه ماهه را تعیین کرده است که همه رفقا تصمیم خود را

بگیرند. گفتیم این حزب همه ما است و آغوش حزب حکمتیست بر روی همه فعالین این حزب و هر کمونیستی باز است و همیشه باز بوده است. ما در این سه ماه به روال همیشه کل اعضا و کادرهای حزب را کما فی سابق عضو و کادر حزب میدانیم و مورد خطاب قرار میدهیم. در هیچ کشور و محلی مرزی را با کسی نمیکشیم و مرزهای کاذبی که تلاش میشود میان اعضا حزب کشیده شود را برسمیت نمیشناسیم. اما اراده رفقا دست ما نیست. هر رفیقی که انتخابی دیگر کند و راهی دیگر برگزیند و از حزب حکمتیست و آن موجودیت سیاسی و حزبی که تا کنون با تلاش مشترک ساخته ایم فاصله بگیرد، ما جز آرزوی سلامتی اش حرفی نداریم.

رفقا!

باید به خود فرصت داد تا به دور از هر جنجال و فضا سازی و به دور از هر فشار سیاسی، اخلاقی و عاطفی و با پشت سر گذاشتن تمام تلخی دوره ای که داشتیم تصمیم سیاسی گرفت. ما به تصمیم سیاسی شما احترام میگذاریم و همزمان توقع داریم و امیدواریم هیچ رفیقی از این حزب و از این سرمایه طبقه کارگر و کمونیسم فاصله نگیرد. جامعه و کمونیسم آن به نیرو و انرژی جمعی ما نیاز دارد. نباید گذاشت این سرمایه بیش از این لطمه بخورد.

پس از کنگره یک دنیا کار در مقابل ما قرار گرفته. دنیای بیرون ما و بویژه طبقه کارگر امروز بیش از هر زمانی به کمونیستهای متشکل، به حکمتیستهای متشکل در حزب خود نیاز دارد.

با آرزوی موفقیت برای همه شما

زنده باد حزب حکمتیست

از طرف کمیته مرکزی حزب حکمتیست

آثر مدرسی

۲۸ فوریه ۲۰۱۲



نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست
سردبیر: خالد حاج محمدی
www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید
کمونیست را بدست کارگران بوسانید
کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

- | | |
|-----------------------------------|-----------------------------|
| ۱۳-ک-م-ول-ه | ۶-حزب کمونیست ایران |
| ۱۴-اتحاد جوانان سوسیالیست انقلابی | ۷-حزب کمونیست ایران م ل |
| ۱۵-اتحاد سوسیالیستی کارگری | ۸-اتحادیه کمونیست های ایران |
| ۱۶-حزب رنجبر ایران | ۹-حزب کار ایران (توفان) |
| ۱۷-و-... | ۱۰-سازمانهای مختلف فدائیان |
| | ۱۱-راه کارگر |
| | ۱۲-س-ر-ب-داران |

در حمایت از اقدام...

- حمایت از کارگران در ایران
- ۳-حزب کمونیست کارگری
- ۴-حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
- ۵-حزب اتحاد کمونیست کارگری

زنده باد سوسیالیسم